

دعای عرفه

امام حسین علیہ السلام

متن و ترجمہ آسان

دعای آسان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعاى عرفه

امام حسين عليه السلام

متن و ترجمه روان



عنوان: دعای عرفه امام حسین علیه السلام

ترجمه و تنظیم: محمد قدوسی

با همکاری مؤسسه قرآنی مشتاق حکمت

صفحه آرایی و گرافیک: بنیان باور

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

سال نشر: ۱۳۹۷

نوبت چاپ: اول

تلفن تماس و شماره شبکه‌های اجتماعی:

۰۹۰۲۱۱۴۱۳۱۸

وب سایت: www.asanquran.net

کانال تلگرام: @asanquran



خواهشمند است در صورتی که فرصت استفاده
از این کتاب شریف را ندارید، آن را به فرد
مشتاق دیگری اهدا کنید.

بسمه تعالی

دعای عرفه امام حسین (ع) از مهم‌ترین دعا‌های شیعه است و در روز عرفه (نهم ذی‌الحجه) خوانده می‌شود. این دعا شامل عالی‌ترین آموزه‌های عرفانی و اعتقادی است. بُشرو بَشیر فرزندانِ غالبِ اسدی نقل کرده‌اند که: در عصر روز عرفه در سرزمین عرفات در خدمت امام حسین (ع) بودیم که آن حضرت با جمعی از خاندان و فرزندان و شیعیان، از خیمه بیرون آمدند و با نهایتِ خضوع و خشوع، روی مبارک خود را به طرف کعبه گردانیده، دست‌ها را تا مقابل چهره بالا آوردند و این دعا را خواندند.

«کفعمی» در کتاب «البلدُ الامین» و «سید بن طاووس» در کتاب «مِصباحُ الزَّائِر» ، این دعای شریف را ذکر کرده‌اند. همچنین «عَلَّامَةُ مَجَلْسِی» در کتاب «بِحَارِ الْانْوَار» و «شیخ عباس قمی» در «مفاتیح الجنان» این دعا را نقل کرده‌اند.

محورهای مهمّ دعا

- اعتراف به جایگاه خداوند
- شناخت خدا و بیان صفات الهی
- تجدید عهد و پیمان با پروردگار
- اشاره به برخی پیامبران
- توجّه به آخرت
- سیر و اندیشه در آفاق جهان
- یادآوری نعمت‌های بیکران الهی بر انسان
- حمد و سپاس خداوند در برابر این نعمت‌ها
- اقرار به جایگاه ناچیز انسان در هستی
- بازگشت به درگاه خداوند و اقرار به گناهان
- توبه و تضرّع و طلب عفو و بخشش
- درخواست عافیت در دین و دنیا
- آرزوی دستیابی به صفات پسندیده و اعمال خیر
- توجه به جایگاه ملکوتی اهل بیت (ع) و توسّل به آن
- درخواست نیازها به برکت «صلوات بر محمّد و آل محمّد»
- تقاضای نور هدایت و رحمت و وسعتِ روزی

در پایان ضمن تشکر از زحمات استاد سید مهدی سیف و دکتر حسین شمسیانی و کلیه همکاران عزیز به ویژه آقایان محمد خندابی، حسین زکائی، محمود کریمی و امیرهوشنگ مهاجرانی، توجه شما را به ویژگی‌های مهم کتاب حاضر جلب می‌نماید.

ویژگی‌های مهم «دعای آسان»

نگارش ساده جملات دعا
تقسیم‌بندی به عبارات کوتاه
ترجمه ساده و توضیحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش مخصوص خداوند است

الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ

که هیچ چیزی نمی تواند آنچه را او تعیین کرده، تغییر دهد

وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ

و هیچ مانعی نمی تواند از لطف و عطایش جلوگیری کند

وَلَا كَصُنْعِهِ صَانِعٌ

و ساخته هیچ سازنده ای مانند ساخته او نیست

وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ.

و او بخشنده ای است که لطفی وسیع دارد.

فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ

انواع پدیده‌های تازه و نورآفرید

وَآتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ

و با حکمت خویش، همهٔ ساخته‌هایش را محکم و استوار کرد

لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ

پدیده‌های عالم وجود بر او پنهان نیست

وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ

و امانت‌ها (همچون کارهای نیک) در نزد او از بین نمی‌روند

جَازِيَ كُلِّ صَانِعٍ

هرکه کاری انجام دهد، او پاداش و جزایش را می‌دهد

وَرَائِسُ كُلِّ قَانِعٍ

و زندگی هرکه اهل قناعت است را تأمین می‌کند

وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ

و نسبت به هرکه ناله و زاری کند، مهربان است

وَمُنْزِلُ الْمَنَافِعِ

و انواع سود و منفعت را نازل می کند

وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ

و همچنین کتاب جامع قرآن را در اختیار بشر قرار داد

بِالنُّورِ السَّاطِعِ.

که نوری درخشان دارد.

وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ

و اوست که دعاها را می شنود و اجابت می کند

وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ

و سختی ها را برطرف می سازد

وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ

و درجات بندگان را بالا می برد

وَ لِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ.

و افراد زورگو و گردنکش را سرکوب می کند.

فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ

آری، خدایی جز او وجود ندارد

وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ

و چیزی همتای او نیست

وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

و هیچ موجودی شبیه او وجود ندارد

وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

و اوست شنوای بینا

اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

و خدای دقیق و آگاه

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و او بر هر چیزی تواناست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ

خدایا، من به تو اشتیاق دارم

وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ

و گواهی می‌دهم که تو مالک و صاحب اختیار همه چیز هستی

مُقِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي

و همچنین اعتراف دارم که تو صاحب اختیار منی

وَإِلَيْكَ مَرَدِّي.

و بازگشت من به سوی توست.

إِبْتِدَاءً تَنِي بِنِعْمَتِكَ

با نعمت خود، وجودم را آغاز کردی،

قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا

پیش از آنکه من چیزی ارزشمند و قابل ذکر باشم

وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ

مرا از خاک آفریدی

ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ

سپس در وجود اجداد و پدران، جایم دادی

أَمِنَّا لِرَيْبِ الْمَنُونِ

و مرا از حوادثِ زمانه، در امان داشتی

وَ اِخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ.

و از آسیب‌های روزگاران و سالیان، حفظم کردی.

فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِّنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمِ

و همواره انتقال من از صُلْبِ پدران به رَحِمِ مادران ادامه پیدا کرد

فِي تَقَادِمِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ

در حالی که روزگارانِ پیشین، در حال گذر بودند

وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ.

و قرن‌ها و نسل‌های گذشته، عبور می‌کردند.

لَمْ تُخْرِجْنِي

مرا به دنیا نیاوردی،

لِرَأْفَتِكَ بِي

- از روی دلسوزی،

وَلُطْفِكَ لِي

و مهربانی به من،

وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ -

و احسانی که نسبت به من داشتی -

فِي دَوْلَةِ أَيْمَةِ الْكُفْرِ

در دوران حکومت فرمانروایان کفر،

الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ

همان کسانی که پیمانت را شکستند

وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ.

و پیامبرانت را تکذیب کردند.

لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي

بلکه مرا متولد نمودی

لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى

طبق همان هدایتی که برایم در نظر گرفته بودی،

الَّذِي لَهُ وَيَسَّرْتَنِي

و مرا برای رسیدن به آن هدایت (گام به گام)، آماده ساختی

وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي

و مرا در بسترِ آن، پرورش دادی؛

وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رُوِّفَتَ بِي

و پیش از این نیز، به من مهر ورزیدی،

بِجَمِيلِ صُنْعِكَ

با رفتار نیکویت،

وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ.

و با نعمت‌های فراوانت.

فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي

بدین ترتیب، آفرینشم را پدید آوردی

مِنْ مَنِّي يُمْنِي

از نطفه‌ای که ریخته می‌شود

وَأَسْكَنتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ

و مرا درون سه تاریکی در شکم مادر، جای دادی

بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ؛

میان گوشت و خون و پوست؛

لَمْ تُشْهَدْنِي خَلْقِي

مرا بر خلقتم گواه نساختی (و در سیر آن از من نظر نخواستی)

وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ

و به من واگذار نکردی

شَيْئًا مِنْ أَمْرِي.

هیچ بخشی از کارهای آفرینشم را.

ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي

سپس مرا متولد کردی

لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى

و طبق همان هدایتی که برایم در نظر گرفته بودی

إِلَى الدُّنْيَا تَامًّا سَوِيًّا

با آفرینشی تمام و درست به دنیا آوردی

وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا

و در حالت کودکی و خردسالی، در گهواره از من نگهداری کردی

وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا

و از میان غذاها، شیری گوارا روزی من ساختی

وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ

و دل‌های دایه‌ها را نسبت به من مهربان کردی

وَكَفَّلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ

و پرستاری مرا به مادرانِ دلسوز سپردی

وَكَأَلَّتْنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ

و از آسیبِ شیاطینِ حفظم کردی

وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ

و آفرینش مرا از زیادی و کمبود به سلامت داشتی

فَتَعَالَيْتَ

آری، تو از هرکسی والاتری،

يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ.

ای خدای مهربان و بخشنده.

حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَّتْ نَاطِقًا بِالْكَلامِ

تا وقتی که لب به سخن باز کردم

أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ

تو نعمت‌های فراوانت را بر من تمام کردی

وَرَبَّيْتَنِي زَايِدًا فِي كُلِّ عَامٍ.

و در هر سال بیشتر از گذشته پرورشم دادی.

حَتَّىٰ إِذَا اكْتَمَلْتِ فِطْرَتِي

تا اینکه آفرینش من کامل شد

وَاعْتَدَلْتِ مِرَّتِي

و نیروهای جسم و جانم به اعتدال رسید

أَوْجَبْتِ عَلَيَّ حُجَّتَكَ

در این زمان بود که دلیل و حجّت خود را بر من تمام کردی

بِأَنَّ أَلْهَمْتِنِي مَعْرِفَتَكَ

بدین ترتیب که شناخت و معرفت خویش را بر من الهام فرمودی

وَرَوَّعْتِنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ

و مرا با نشانه‌های شگفت و حکیمانه‌ات، به حیرت انداختی

وَأَيْقَظْتِنِي

و از خواب غفلت بیدارم نمودی

لِمَا ذَرَأْتِ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ

در اثر آنچه در آسمان و زمینت پدید آوردی،

مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ

از قبیل نوآوری‌ها و تازه‌های آفرینشت

وَنَبَّهْتَنِي لَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ

و برای شکرگزاری و یادت، هشیارم کردی

وَ أَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ

و (مرا شایسته دانستی و) طاعت و عبادت خود را بر من واجب نمودی

وَ فَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ

و آنچه را پیامبران آوردند، به من فهماندی

وَ يَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ

و پذیرش آنچه را باعث خشنودی‌ات می‌شود، برایم آسان نمودی

وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

و در تمام این مراحل، بر من منت گذاشتی

بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ.

و با یاری و مهربانی‌ات بر من لطف کردی.

ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى

سپس بعد از اینکه مرا از بهترین خاک ها آفریدی

لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى

خداوندا، (انواع نعمت را به من دادی و)
راضی نشدی که از یک نعمت برخوردار، و از دیگری محروم گردم

وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَايِشِ

و انواع نعمت های زندگی را به من روزی دادی

وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ

و همچنین مقدمات آسایش را

بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ

و این به خاطر نعمت عظیم و بزرگ ترین منت تو بر من بود

وَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ.

و به خاطر احسانِ همیشگی تو نسبت به من بود.

حَتَّىٰ إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ

تا آنجا که نعمت هایت را بر من تمام کردی

وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ

و همه رنج‌ها را از من دور ساختی

لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ

و با اینکه من در برابرت نادان و جسور بودم، اینها مانع نشد

أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَىٰ مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ

از اینکه راه‌های نزدیک شدن به خودت را، نشانم دهی

وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ.

و برای کارهایی که به درگاهت نزدیکم می‌سازد، موفقم کنی.

فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي

از این رو، اگر تو را صدا زنم، پاسخم را می‌دهی

وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي

و اگر از تو چیزی بخواهم، عطایم می‌کنی

وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي

و اگر از تو اطاعت کنم، قدردانی می‌کنی

وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي؛

و اگر از تو تشکر کنم، لطفت را بر من زیاد می‌کنی؛

كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لِأَنْعُمِكَ عَلَيَّ

همه اینها به خاطر آن است که نعمت هایت را برایم کامل کنی

وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ.

و احسانت را نسبت به من تمام گردانی.

فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ

پس تو چه پاک و منزهی (و از تصوّر من بالاتری)!

مِنْ مُبَدِيٍّ مُعِيدٍ

تویی که آفرینش را آغاز می‌کنی و پس از مرگ، دوباره برمی‌گردانی

حَمِيدٍ مَجِيدٍ.

و تو خدای ستوده و بزرگواری.

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

نام‌های تو والا و پاکیزه،

وَعَظُمَتْ أَلَاؤُكَ.

و نعمت‌های تو بزرگ است.

فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي

پس ای خدای من، کدامین نعمت‌های تو را،

أَحْصَى عَدَدًا وَ ذِكْرًا؟

بشمارم و یاد کنم؟

أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ

و کدام یک از هدایای تو را

أَقَوْمُ بِهَا شُكْرًا؟

شکرو سپاس بگذارم؟

وَهِيَ يَا رَبِّ

در صورتی که خداوندا، این نعمت‌ها

أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ

بیشتر از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند

أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ.

و بیش از آن است که ذهن‌های قوی بتوانند دربارهٔ آنها آگاهی یابند.

ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ
مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ،

و خدایا، علاوه بر همهٔ اینها باید بگویم
سختی‌ها و گرفتاری‌هایی که از من دور کرده‌ای،

أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ.

بیشتر از سلامتی‌ها و خوشی‌هایی بوده است
که به دست تو برایم آشکار شده است.

وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي

و من اعتقاد دارم ای خدای من،

بِحَقِيقَةِ اِيْمَانِي

با حقیقتِ ایمانم

وَعَقْدِ عَزَمَاتٍ يَقِينِي

و یقین های قطعی و محکمی که دارم

وَ خَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي

و توحیدِ خالص و آشکارم

وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي

و اعماقِ پنهانی وجودم

وَعَلَائِقِ مَجَارِي نَوْرِ بَصْرِي

و پرتوهای عبورکننده از روزنهٔ بینایی ام

وَأَسَاوِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي

و چین ها و خطوطِ پیشانی ام

وَ خُرِقِ مَسَارِبِ نَفْسِي

و روزنه‌های مجرای تنفسم

وَ خَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي

و پرده‌های نرمه بینی‌ام

وَ مَسَارِبِ سِمَاخِ سَمْعِي

و مسیرهای رسیدن صدا به پرده گوشم

وَ مَا ضَمَّتْ وَ أَطَبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ

و قسمتی از دهانم که لب‌هایم بر آن می‌چسبند و روی هم قرار می‌گیرند

وَ حَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي

و حرکاتی که زبانم برای تلفظ و تکلم انجام می‌دهد

وَ مَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَ فَكِّي

و محل اتصال سقف دهانم و آرواره‌ام

وَ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي

و جایگاه رویش دندان‌ها بر روی لثه‌ام

وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي

و قسمتی از زبانم که به وسیله آن، خوراکی و آشامیدنی را می چشم

وَحِمَالَةِ أُمَّرَأْسِي

و آنچه درون جمجمه ام قرار دارد

وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي

و مجرای عبور غذا در میان گردنم

وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي

و اعضای درون قفسه سینه ام

وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي

و رگ های انشعاب یافته از رگ اصلی قلبم

وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي

و پرده اطراف قلبم (که قلب در آن شناور است)

وَأَفْلَازِ حَوَاشِي كَبِدِي

و بخش های مختلف کبدم

وَمَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيفُ أَضْلَاعِي

و آنچه بین استخوان های دنده هایم قرار دارد

وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي

و حفره های مفاصلم

وَقَبِضِ عَوَامِلِي

و انقباض عضلاتم

وَأَطْرَافِ أُنَامِلِي

و سرانگشتانم

وَلَحْمِي وَدَمِي

و گوشت و خونم

وَشَعْرِي وَبَشْرِي

و موی بدنم و پوستم

وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي

و عصبم و نایم و استخوان هایم

وَمُنَى وَعُرُوقِ

و مغز و رگ هایم

وَجَمِيعِ جَوَارِحِ

و همه اعضای بدنم

وَمَا انتَسَجَ عَلَى ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي

و تمام بافت هایی که در دوران شیرخوارگی بر این اعضا روییده است

وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي

و هر چیزی از جسم من که بر روی زمین سنگینی می کند

وَنَوْمِي وَيَقَظَّتِي وَسُكُونِي

و خوابم و بیداری ام و استراحتم

وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي

و حرکات رکوعم و سجودم؛

أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ

(خدایا، با همهٔ اینها گواهی می‌دهم) که اگر سعی و تلاش کنم

مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ

در طول دوران‌ها و قرن‌ها

لَوْ عُمِّرْتُهَا

به فرض اینکه چنین عمر بلندی داشته باشم،

أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعُمِكَ

که شکر یکی از نعمت‌های تو را به جای آورم،

مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ

نخواهم توانست چنین کاری انجام دهم

إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا

مگر اینکه خودت لطف کنی (و به من توفیق شکرگزاری دهی) که این لطف جدید نیز، به شکر جدیدی نیاز دارد

وَتَنَاءٍ طَارِفًا عَتِيدًا.

و ستایشی تازه و متناسب با خود می‌طلبد.

أَجَلٌ ، وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أُنَامِكِ

آری، اگر من به همراه تمام آفریدگان حسابگرت، تلاش کنیم،

أَنْ نُحْصِيَ مَدَىٰ إِنْعَامِكِ

که مجموعه نعمت هایت را بشماریم،

سَالِفِهِ وَآئِفِهِ

چه نعمت‌های قدیمی و چه نعمت‌های جدید؛

مَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا

نه تعداد آنها را می‌توانیم بشماریم

وَلَا أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا.

و نه مدت آنها را می‌توانیم حساب کنیم.

هِيَاهُتَ ، أِنِّي ذَلِكُ ؟

چنین کاری بعید است و چگونه امکان دارد؟!

وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ

در حالی که تو خبر داده‌ای

فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ

در کتابِ گویای خود

وَالنَّبَاِ الصَّادِقِ

و آن خبر راستین (یعنی قرآن)،

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ

که اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید،

لَا تُحْصَوها.

نمی‌توانید آنها را محاسبه کنید.

صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَانْبَأُوكَ

خدایا، کتابِ تو و خبری که داده‌ای، راست و صحیح است

وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَائُكَ وَرُسُلَكَ

و پیامبران و فرستادگانت، به درستی ابلاغ کردند،

مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ

همه چیزهایی را که به آنها وحی کردی،

و شَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ.

و نیز قوانینی را که از دینت، برای آنها و به وسیله آنان معین کردی.

غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي

ولی ای خدای من،

أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي

با تمام سعی و کوششم شهادت می‌دهم و اعلام می‌کنم

و مَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي

و به اندازه طاعت و طاقتم گواه هستم

وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا:

و از روی ایمان و یقین می‌گویم:

الْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش مخصوص خداوند است

الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

که هیچ فرزندی برای خود انتخاب نکرده

فَيَكُونَنَّ مَوْرُوثًا

تا آن فرزند از خدا ارث ببرد

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ

و شریکی در فرمانروایی خود ندارد

فِيضَادَهُ، فِيمَا ابْتَدَعَ

تا آن شریک در مورد آنچه خدا پدید آورده، با او مخالفت کند

وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ

و هیچ حامی و سرپرستی ندارد که خدا به او نیازمند باشد

فَيُرْفِدَهُ، فِيمَا صَنَعَ

تا او بخواهد به خدا در مورد مخلوقاتش یاری کند

فَسُبْحَانَهُ وَسُبْحَانَهُ

پس خداوند چه پاک و منزّه است!

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ

آری، اگر در آسمان‌ها و زمین، غیر از خداوند یگانه، خدایانی بودند،

لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا

آسمان‌ها و زمین نابود می‌شدند و از هم می‌پاشیدند

سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ

چه پاک و منزّه و فوق تصوّر است خداوند یکتا و یگانه و بی‌نیاز!

الَّذِي لَمْ يَلِدْ

همان خدایی که هیچ فرزندی ندارد

وَلَمْ يُولَدْ

و فرزند کسی هم نیست

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

و هیچ کسی همتای او نیست.

الْحَمْدُ لِلَّهِ

ستایش مخصوص خداست

حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ

ستایشی معادل ستایش فرشتگان نزدیک به درگاهش

وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ

و ستایش پیامبرانی که از سوی او فرستاده شده‌اند

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ

و صلوات خدا، نثار برگزیدگان درگاه او باد:

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

محمد خاتم پیامبران

وَأَلِيهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ

و خاندان پاک و معصومش که خدا آنها را برگزیده است

وَسَلَّمَ.

و درود بر تمام آنها.

■ دعای عرفه

انگاه آن حضرت، شروع به درخواست از خدا کرد و در حالی که اشک از دیده های مبارکش جاری بود، دعا را به این صورت ادامه داد:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ

خداوندا، به من توفیق بده که از تو چنان بترسم که گویی تو را می بینم

وَ أَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ

و مرا با رعایت تقوا در برابر خودت، خوشبخت و سعادتمند کن

وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ

و نگذار به خاطر نافرمانی در برابر تو، بدبخت شوم

وَ خَيْرِي فِي قَضَائِكَ

و در آنچه برایم در نظر می گیری، خیر و خوبی قرار ده

وَ بَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ

و سرنوشتم را مبارک گردان

حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا آخَرْتَ

به طوری که دوست نداشته باشم آنچه تو عقب انداخته ای، جلو بیفتد

وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ.

و آنچه جلو انداخته ای، عقب بیفتد.

اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي

خداوندا، بی‌نیازی و عزّت نفس را در شخصیتم قرار ده

وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي

و یقین را در قلبم

وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي

و اخلاص را در رفتارم

وَالنُّورَ فِي بَصَرِي

و روشنایی را در چشمم

وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي

و بینش صحیح را در دینم

وَمَتِّعْنِي بِجَوَارِحِي

و مرا از اعضای بدنم (در راه طاعت و عبادت) بهره‌مند کن

وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي

و گوش و چشمم را تا زمان مرگم در اطاعت خود قرار ده
تا بعد از مرگم به نفع من شهادت دهند

وَانصُرْنِي عَلٰی مَنْ ظَلَمَنِي

و در برابر آن کسی که در حق من ستم کرده، یاری ام کن

وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِي

تا زمانی را ببینم که براو پیروز شده‌ام و به آرزویم درباره او رسیده‌ام

وَأَقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي.

و بدین وسیله چشمم را روشن کن (و قلبم را شاد فرما).

اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي

خدایا، گرفتاری و اندوه مرا برطرف کن

وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي

و زشتی‌های مرا بپوشان

وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي

و خطایم را ببامرز

وَإِخْسَاءَ شَيْطَانِي

و شیطان و سوسه‌کننده‌ام را دور کن

وَفُكِّ رِهَانِي

و مرا از بدهکاری و تعهدم، خلاص کن

وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا

و ای خدای من، برای من رتبه‌ای بالاتر قرار بده،

فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

چه در آخرت و چه در دنیا.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي

خداوندا، ستایش سزاوار توست که مرا آفریدی

فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا

و به من شنوایی و بینایی عطا کردی

وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي

و ستایش مخصوص توست که مرا آفریدی

فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا

و خلقتم را به زیبایی آراستی

رَحْمَةً بِي

و این از روی رحمتی بود که نسبت به من داشتی

وَقَدْ كُنْتَ عَن خَلْقِي غَنِيًّا.

در صورتی که از آفرینش من بی‌نیاز بودی.

رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که مرا پدید آوردی

فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي

و خلقتم را اعتدال بخشیدی

رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که مرا به وجود آوردی

فَأَحْسَنْتَ صَوْرَتِي

و صورتم را زیبا کردی

رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که به من احسان کردی

وَفِي نَفْسِي عَافِيَتِي

و به من آرامش و سلامتی بخشیدی

رَبِّ بِمَا كَلَّاتَنِي وَوَفَّقْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که از من محافظت کردی
و به من توفیق دادی

رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که به من نعمت دادی و هدایت کردی

رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که به من توجه کردی

وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي

و از هر خیری به من عطا کردی

رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که غذایم دادی و سیراب کردی

رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که بی‌نیازم ساختی و ثروتم دادی

رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که یاری‌ام کردی و عزتم بخشیدی

رَبِّ بِمَا الْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي

پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم که عیوب مرا با خطاپوشی خود، پوشاندی

وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي

و از نعمت‌هایت به آسانی و به میزان کافی در اختیارم گذاشتی؛

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست

وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ

و مرا در برابر پیشامدهای ناگوار روزگار یاری کن

وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ

و همچنین در برابر حوادث شب و روز

وَنَجِّنِي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ

و از ترس‌های دنیا و گرفتاری‌ها و اندوه‌های آخرت نجاتم ده

وَإِكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ.

و در برابر شرّ ستمکاران در زمین، مرا چنان یاری و پناه ده
که به دیگران نیاز نداشته باشم.

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَآكِفْنِي

خداوندا، در برابر هر چیزی که می‌ترسم، در امانم بدار

وَمَا أَحْذَرُ فِقِنِي

و از آنچه نگرانم، مرا حفظ کن

وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَآحْرُسْنِي

و خودم و دینم را در پناه خود مراقبت کن

وَفِي سَفَرِي فَآحْفَظْنِي

و در سفرم، نگهبان من باش

وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَآخْلُفْنِي

و در میان خانواده و اموالم، جانشین من باش

وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي

و در آنچه به من روزی داده‌ای، برکت ده

وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي

و مرا در نزد خودم خوار کن

وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَّظَمَنِي

و در چشمان مردم بزرگم نما

وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلَّمَنِي

و از شرّ جنّ و انس سلامتّم بدار

وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي

و به سبب گناهانم، رسوایم نکن

وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي

و مرا به خاطر بدی باطنم، سرافکنده نگردان

وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي

و مرا به سبب کردارم، مجازات نکن

وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي

و نعمت هایت را از من نگیر

وَإِلَىٰ غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِنِي.

و مرا به غیر خودت نسپار.

إِلٰهِ إِلَىٰ مَنْ تَكَلَّنِي؟

خدایا، مرا به چه کسی می سپاری؟

إِلَىٰ قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي؟

به آن خویشاوندی که ممکن است با من قطع رابطه کند؟

أَمْ إِلَىٰ بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي؟

یا به آن بیگانه‌ای که در برابر من بدخلقی می کند؟

أَمْ إِلَىٰ الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي؟

یا به آن کسانی که مرا خوار و ضعیف می خواهند؟

وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي

در حالی که تو پروردگار و صاحب اختیار منی

أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي

به تو شکایت می کنم از غربت خویش و از دوری خانه آخرتم،

وَهَوَانِي عَلَىٰ مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي.

و همچنین از خواری ام نزد کسی که کارم را به او سپرده‌ای .

إِلٰهِ فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ

خدایا، خشمت را بر من فرود نیاور

فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ

که اگر تو بر من خشم نگیری،

فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ سُبْحَانَكَ

دیگر چیزی جز تو، که پاک و منزّهی و فوق تصوّری، برایم مهم نیست،

غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي.

و البته اگر به من سلامتی و عافیت دهی، برای من کارسازتر است.

فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ

پس ای خدای من، از تو می خواهم، به حقّ نور جمالت

الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ

همان نوری که زمین و آسمان ها به وسیله آن روشن شد

وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ

و تاریکی ها با آن برطرف گردید

وَصَلَحَ بِهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

و کار مردم گذشته و آینده با آن درست شد

أَنْ لَا تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ

که جان مرا در حالی نگیری که از من غضبناک هستی

وَلَا تُنَزِلْ بِي سَخَطَكَ.

و خشمت را بر من فرو نفرستی.

لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى

از تو معذرت می خواهم و جداً از تو معذرت می خواهم

حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ.

تا پیش از خشمت، از من راضی و خشنود شوی.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

هیچ خدایی غیر از تو وجود ندارد

رَبِّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ

ای پروردگارِ سرزمینی که دارای حرمت است

وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ

و سرزمین «مَشْعَرِ الْحَرَامِ»

وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

و خانه کعبه

الَّذِي أَحَلَّتْهُ الْبَرَكَةَ

که آن خانه را برکت دادی

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا.

و آن را خانه امنی برای مردم قرار دادی.

يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ

ای کسی که با بردباری، از گناهان بزرگ گذشت می کند

يَا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ

ای کسی که با لطف و احسان، نعمت ها را فراوان می کند

يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ

ای کسی که به خاطر بخشنده‌گی و کرمش،
هدایای بسیار به بندگان می دهد

يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي

ای ذخیره و امید من به هنگام سختی

يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي

ای همدم من در تنهایی

يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي

ای فریادرس من در گرفتاری

يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي

ای ولی نعمت من

يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي

ای خدای من و خدای پدرانم

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب

وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ

و پروردگار جبرائیل و میکائیل و اسرافیل

وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ

و پروردگار محمد، خاتم پیامبران

وَالِلهِ الْمُنْتَجَبِينَ

و خاندان برگزیده او

وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ

ای نازل کننده تورات و انجیل و زبور و قرآن

وَمُنْزِلَ «كَهْيُعَص» وَ «طُه» وَ «يُوس»

ای نازل کننده سوره های مریم و طاه و یاسین

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

و نازل کننده قرآن حکیم

أَنْتَ كَهْفِي

خدایا، پناهم تویی

حِينَ تُعِينِنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا

در زمانی که همه راه ها با تمام وسعت شان برایم بسته می شوند

وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضَ بِرُحْبِهَا

و زمین با همه پهنآوری اش برایم تنگ می شود

وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ

و اگر رحمت تو نبود،

لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ

قطعاً من هلاک شده بودم

وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي

و تویی که لغزشم را نادیده می گیری

وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ

و اگر خطا پوشی تو نبود،

لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ

قطعاً تا کنون رسوا شده بودم

وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي

و تویی که با یاری ات، مرا علیه دشمنانم، موفق و پیروز می کنی

وَلَوْلَا نَصْرُكَ أَيَّايَ

و اگر یاری تو در حق من نبود،

لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ.

حتماً تا کنون شکست خورده بودم.

يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُورِ وَالرِّفْعَةِ

ای کسی که عظمت و بلندی مقام را به خود اختصاص داد

فَأَوْلِيَائِهِ، بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ

و دوستانش هم به وسیله عزت او، عزت می یابند

يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ

ای کسی که حتی پادشاهان در برابرش خوار و ذلیل اند

فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

و از قهر و خشم او هراسان هستند

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

ای کسی که از نگاه پنهانی چشم‌ها و اسرار نهفته در سینه‌ها، باخبر است

وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَمْنَةُ وَالذُّهُورُ

و از حوادثی که در طول زمان‌ها و روزگاران پنهان است، آگاهی دارد

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ

ای کسی که چگونگی ذاتش را کسی غیر از خودش نمی‌داند

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ

ای کسی که حقیقت او را کسی جز خودش نمی‌داند

يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ

ای کسی که از ذات او کسی جز خودش آگاه نیست

يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ

ای کسی که زمین را بر روی لایه‌های آب قرار داد

وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ

و هوای اطراف زمین را در فضا محدود کرد

يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ

ای کسی که ارزشمندترین نام‌ها به او تعلق دارد

يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا

ای کسی که خیر او هیچ‌گاه قطع نمی‌شود

يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ

ای کسی که کاروان را برای نجات یوسف، در آن بیابان خشک مأمور کرد

وَمُخْرِجَهُ مِنْ الْجَبِّ

و از چاه بیرونش آورد

وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا

و او را پس از بردگی به پادشاهی رساند

يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ

ای کسی که یوسف را به یعقوب برگرداند

بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

پس از آنکه چشمانش از غصه و اندوه نابینا شده بود

و خشمش را فرو می‌خورد

يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالبَلْوَى عَن آيُوبَ

ای برطرف‌کننده رنج و گرفتاری از ایوب

وَمُمْسِكَ يَدَيِ اِبْرَاهِيمَ عَن ذَبْحِ ابْنِهِ

و ای کسی که دستان ابراهیم را از سربريدن فرزندش نگاه داشت

بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ

در آن هنگام که او در سنّ پیری و در اواخر عمرش بود

يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا

ای کسی که دعای زکریّا را به اجابت رساند

فَوَهَبَ لَهُ وِ يَحْيٰى

و (در سنّ پیری) به او یحیی را بخشید

وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَّحِيدًا

و نگذاشت که او تنها و بی وارث بماند

يَا مَنْ اَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ

ای کسی که یونس را از شکم ماهی بیرون آورد

يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ

ای کسی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت

فَأَنْجَاهُمْ

و آنها را نجات داد

وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

و فرعون و سپاهیانش را غرق کرد

يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ

ای کسی که، بادها را می فرستد

مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ

تا برای باران رحمتش مزده دهند

يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ

ای کسی که برای مجازاتِ بندگانِ نافرمان، شتاب نمی کند

يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ

ای کسی که ساحرانِ فرعون را از گمراهی نجات داد

مِنْ بَعْدِ طَوْلِ الْجُحُودِ

پس از مدّت ها که در حال انکار و کفر بودند

وَقَدْ غَدَاوا فِي نِعْمَتِهِ

در صورتی که آنها از نعمت های خدا برخوردار بودند

يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ

روزی او را می خوردند

وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ

ولی خدای دیگری را می پرستیدند

وَقَدْ حَادَّوْهُ وَنَادَّوْهُ

و به دشمنی و مقابله در برابر خدا برخاسته بودند

وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ

و پیامبران را انکار می کردند

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ

ای خدا، ای خدا،

يَا بَدِيءُ

ای آغازکننده هستی

يَا بَدِيعُ لَا نِدَّ لَكَ

ای پدیدآورنده ای که همتا نداری

يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ

ای زنده جاودان که به هیچ وجه نابودی برای تو، قابل تصوّر نیست

يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ

ای کسی که وقتی هیچ موجودی زنده نبود، تو زنده بودی

يَا مُحْيِيَ الْمَوْتَى

ای زنده کننده مردگان

يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

ای آنکه بر هرکسی تسلط داری و مراقبی که چه کاری انجام می دهد

يَا مَنْ قَلَّ لَهُ وَ شُكْرِي

ای کسی که شکرگزاری من در برابرش ناچیز است،

فَلَمْ يَحْرِمْنِي

ولی محرومم نمی‌کند

وَعَظُمْتَ خَطِيئَتِي

و خطایم بزرگ است،

فَلَمْ يَفْضَحْنِي

ولی رسوایم نمی‌سازد

وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِي

و مرا در حالِ نافرمانیِ خویش می‌بیند،

فَلَمْ يَشْهَرْنِي

ولی بی‌آبرویم نمی‌کند

يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي

ای کسی که مرا در کودکی محافظت کرد

يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي

ای کسی که مرا در بزرگسالی روزی داد

يَا مَنْ آيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي

ای کسی که نیکی هایش در حق من، قابل شمارش نیست

وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي

و نمی شود نعمت هایش را تلافی کرد

يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ

ای کسی که با خوبی و نیکی، با من رفتار می کند

وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ

ولی من با بدی و نافرمانی، با او روبرو می شوم

يَا مَنْ هَدَانِي لِإِيْمَانٍ

ای کسی که مرا به سوی ایمان راهنمایی کرد

مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ

قبل از اینکه با آداب سپاسگزاری از او آشنا باشم

يَا مَنْ دَعَوْتُهُ وَ مَرِيضًا فَشَفَانِي

ای کسی که هرگاه صدایش زدم، نیازم را پاسخ گفت:
به هنگام بیماری، شفایم بخشید

وَ عُرِيَانًا فَكَسَانِي

و زمانی که به لباس نیاز داشتم، مرا پوشاند

وَ جَائِعًا فَاشْبَعَنِي

و در گرسنگی، مرا سیر کرد

وَ عَطْشَانَ فَارَوَانِي

و در حال تشنگی، سیرابم کرد

وَ ذَلِيلًا فَاعَزَّنِي

و هنگامی که خوار بودم، مرا سربلند و عزیز گرداند

وَ جاهِلًا فَعَرَّفَنِي

و زمانی که ناآگاه بودم، مرا دانا کرد

وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي

و در تنهایی بودم، مرا در جمع قرار داد و از تنهایی نجات داد

وَ غَائِبًا فَرَدَّنِي

و هنگام دوری از وطن، مرا به وطن بازگردانید

وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي

و هنگام فقر، مرا ثروتمند کرد

وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي

و موقعی که محتاج کمک بودم، یاری ام کرد

وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي

و در حال بی‌نیازی صدایش زدم، (و با اینکه سپاسگزار نبودم) ثروتم را نگرفت

وَ أَمَسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ

و از شکر همه این نعمت‌ها خودداری کردم

فَابْتَدَأَنِي

ولی او در نیکی پیش قدم شد

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ

پس سپاس و ستایش، مخصوص توست

يَا مَنْ أَقَالَ عَشْرَتِي

ای کسی که لغزشم را نادیده گرفت

وَنَفْسٍ كُفِّرَتِي

و رنج و اندوهم را از بین برد

وَأَجَابَ دَعْوَتِي

و دعایم را اجابت فرمود

وَسَتَّرَ عَوْرَتِي

و عیب‌هایم را پوشاند

وَغَفَرَ ذُنُوبِي

و گناهانم را آمرزید

وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي

و مرا به خواسته‌ام رساند

وَنَصَرَنِي عَلَىٰ عَدُوِّي

و در برابر دشمن یاری‌ام داد

وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مِنْكَ

و اگر بخواهم نعمت‌ها، هدایا و بخشش‌های بزرگت را بشمارم،

لَا أَحْصِيهَا.

نمی‌توانم آنها را محاسبه کنم.

يَا مَوْلَايَ

ای سرور من،

أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ

تویی که بر من لطف کردی و منت نهادی

أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ

تویی که نعمت دادی

أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ

تویی که خوبی کردی

أَنْتَ الَّذِي أَجَمَلْتَ

تویی که بزرگواری کردی

أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ

تویی که بیش از حَقِّم به من دادی

أَنْتَ الَّذِي أَكَمَلْتَ

تویی که نعمتت را کامل کردی

أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ

تویی که روزی دادی

أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ

تویی که توفیق دادی

أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ

تویی که نعمت عطا کردی

أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ

تویی که بی نیاز ساختی

أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ

تویی که توانگری دادی

أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ

تویی که پناه دادی

أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ

تویی که از دیگران بی‌نیازم کردی

أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ

تویی که هدایت کردی

أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ

تویی که (مرا از بدی‌ها) نگاه داشتی و حفظ کردی

أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ

تویی که اسرار مرا پوشاندی

أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ

تویی که آمرزیدی

أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتِ

تویی که دستگیری کردی

أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ

تویی که ثروت دادی

أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ

تویی که عزت بخشیدی

أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ

تویی که کمک کردی

أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ

تویی که پشتیبانی کردی

أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ

تویی که تأیید کردی

أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ

تویی که یاری کردی

أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ

تویی که شفا بخشیدی

أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ

تویی که سلامتی و عافیت دادی

أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ

تویی که گرامی داشتی

تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ

بزرگی و سروری، به تو تعلق دارد

فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا

آری، ستایشِ همیشگی، مخصوص توست

وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا.

و شکر دائمی و جاوید نیز برای توست.

ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي

و ای خدای من، در مقابل، این منم که به گناهانم اعتراف می‌کنم

فَاغْفِرْهَا لِي

پس آنها را ببامرز

أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ

منم که بد کردم

أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ

منم که خطا کردم

أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ

منم که در مسیر اشتباه تلاش کردم

أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ

منم که نادانی کردم

أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ

منم که غافل شدم

أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ

منم که فراموش کردم

أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ

منم که به خودم اعتماد کردم

أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ

منم که عمداً خطا کردم

أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ

منم که وعده دادم

وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ

و منم که خُلفِ وعده کردم

أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ

منم که پیمان شکنی کردم

أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ

منم که به خطا اقرار می‌کنم

أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ عِنْدِي

منم که به نعمت تو در حقّ خودم و در نزد خودم اعتراف می‌کنم

وَأَبِؤُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي.

و با گناهانِ خویش به سوی تو باز گشته‌ام
پس آنها را برای من ببامرز.

يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ

ای کسی که گناه بندگان به او زیان نمی‌رساند

وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ

و این در حالی است که از طاعت و عبادت آنان بی‌نیاز است

وَالْمُوفِّقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ

و موفق می‌کند هر بنده‌ای را که کار شایسته انجام دهد،

بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ

با یاری و رحمت خود؛

فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي.

آری، ستایش مخصوص توست، ای خدای من و آقای من.

إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ

خدایا، به من دستور دادی و من از تو نافرمانی کردم

وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكِبُ نَهْيَكَ

و مرا نهی کردی ولی آنچه را نهی کردی، مرتکب شدم

فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذِرُ

و اینک به حالی افتاده‌ام که نه بهانه‌ای دارم تا عذرخواهی کنم

وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَاَنْتَصِرَ.

و نه نیرویی دارم که از آن کمک بگیرم.

فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ؟

پس به اتکای کدام توانایی خویش، در پیشگاهت حاضر شوم، ای سرورم؟

أَبِسْمَعِي؟ أَمْ بِبَصَرِي؟

با گوشم؟ یا با چشمم؟

أَمْ بِلِسَانِي؟ أَمْ بِيَدِي؟ أَمْ بِرِجْلِي؟

یا با زبانم؟ یا با دستم؟ یا با پایم؟

أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتٌ عِنْدِي؟

مگر نه اینکه همهٔ اینها نعمت‌های تو در نزد من است؟

وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ؟

و با همهٔ آنها در برابر تو نافرمانی کردم، ای مولای من؟

فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ

پس تو دلیل قاطع علیه من داری و حقّ بازخواستِ مرا هم داری

يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي

ای کسی که خطاهایم را از پدر و مادر مخفی کردی تا مرا تنبیه نکنند

وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي

و همچنین از خویشان و برادران پوشاندی، تا سرزنشم نکنند

وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي

و همین طور از فرمانروایان پوشیده داشتی، تا کیفرم نکنند

وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ

و ای سرور من، اگر آنها می دانستند

عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي

چیزهایی را که تو درباره من می دانی،

إِذَا مَا أَنْظُرُونِي وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي.

دیگر به من مهلت نمی دادند و مرا از خود دور ساخته

و با من قطع رابطه می کردند.

فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي

واکنون این منم، ای خدای من

بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي

که در برابر تو هستم، ای آقای من

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَاصِرٌ حَقِيرٌ

با حالت فروتنی، خواری، درماندگی و کوچکی

لَا ذُوبَرَاءَةَ فَاَعْتَذِرْ

نه بهانه‌ای دارم که عذرخواهی کنم

وَلَا ذَوْقُوَّةٍ فَاَنْتَصِرْ

و نه نیرویی دارم که از آن یاری جویم

وَلَا حُجَّةٍ فَاَحْتَجِّ بِهَا

و نه دلیلی دارم که به وسیله آن استدلال کنم

وَلَا قَائِلٌ لَّمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سَوْءًا

و نه می‌توانم بگویم که گناه نکرده‌ام و کاربدی انجام نداده‌ام

وَمَا عَسَى الْجُحُودُ - وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ - يَنْفَعُنِي

وای سرور من، به فرض که انکار کنم، چنین انکاری سودی به حالم ندارد

كَيْفَ وَآنَى ذَلِكَ؟

چگونه چنین انکاری ممکن است؟

وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ

وقتی تمام اعضای بدنم شاهد کارهای من هستند

وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكِّ

و من با یقین قطعی می دانم و هیچ تردیدی ندارم

أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ

که تو درباره مسائل مهم، به طور جدی از من بازخواست می کنی
(و به راحتی از آنها نمی گذری)

وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ

و تویی آن داور عادلی که ستم نمی کنی

وَ عَدْلِكَ مُهْلِكِي

و همین عدالتِ توست که مرا بیچاره می‌کند

وَ مِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي

و من از هرگونه عدالتِ تو فرار می‌کنم
(چرا که حسابرسی دقیق و عادلانه‌تو، به زیان من است
در حالی که من فقط به لطف و احسان تو امید دارم)

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي

پس ای خدای من، اگر عذابم کنی، به سبب گناهانم خواهد بود

بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ

آن هم بعد از دلایل کافی که علیه من داری

وَ إِنْ تَعْفُ عَنِّي

و در صورتی که از من گذشت کنی،

فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ.

به خاطر بردباری و بخشندگی و بزرگواری توست.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزّهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

من ستم کرده‌ام

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزّهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ

من آمرزش می‌خواهم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزّهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَحِّدِينَ

من یکتاپرستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزّهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ

من ترسان هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزّهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ

من نگران هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزّهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ

من امیدوار هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاعِبِينَ

من مشتاق هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّلِينَ

من معتقد به «لا اله الا الله» هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ

من درخواست‌کننده هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

من تسبیح‌گوی تو هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزهی و بالاتراز تصوّری،

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ

من معتقد به بزرگی تو هستم

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

خدایی جز تو نیست که پاک و منزهی و بالاتراز تصوّری،

رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ.

تو پروردگار من و پروردگار پدران و اجدادم هستی.

اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا

خدایا، با این دعای خواهم، از طریق بیان صفات نیکویت، تو را ستایش کنم

وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا

و همانند فردی یکتاپرست، تو را خالصانه یاد کنم

وَإِقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا

و با شمارش نعمت‌هایت، به وجودشان اقرار کنم

وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا

هرچند من اعتراف دارم که توان شمارش آنها را ندارم

لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا

زیرا بسیار زیاد و فراوان و انبوه هستند

وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ

و از گذشته تا به حال وجود داشته‌اند

مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا

و پیوسته به وسیله این نعمت‌ها به من رسیدگی کرده‌ای

مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي

از آن زمان که مرا آفریدی و پدید آوردی،

مِنْ أَوَّلِ الْعُمْرِ

از همان آغاز عمر،

مِنْ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ

از جمله اینکه بعد از فقر، توانگرم کردی

وَكَشَفِ الضُّرِّ

و اینکه گرفتاری ام را برطرف کردی

وَ تَسْبِيبِ الْيُسْرِ

و اسباب آسایشم را فراهم ساختی

وَدَفْعِ الْعُسْرِ

و سختی ام را دور کردی

وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ

و اندوهم را از بین بردی

وَالْعَافِيَةَ فِي الْبَدَنِ

و بدنم را سالم نگاه داشتی

وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ

و دینم را حفظ کردی

وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرٍ ذَكَرَ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ

و اگر همه اهل جهان، برای یاد کردنِ نعمتِ هایت، به من کمک کنند،

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

از گذشتگان تا آیندگان،

مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ.

نه من توانِ یاد کردنِ و باز شمردنِ این نعمتِ ها را دارم و نه آنان.

تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ

تو والا و بلند مرتبه ای

مِن رَّبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ

ای خداوند کریم و بزرگ و مهربان

لَا تُحْصِي الْأَوْكَ

نعمت هایت قابل شمارش نیست

وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ

و هیچ کسی آن طور که شایسته است، توان ستایش تو را ندارد

وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ.

و هرگز نمی‌توان نعمت هایت را تلافی کرد.

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و اهل بیتش درود و رحمت فرست

وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ

و نعمت هایت را بر ما کامل فرما

وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ

و ما را با اطاعت از خودت، سعادت‌مند کن

سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

تو پاک و منزّهی و از تصوّر ما بالاتری و هیچ خدایی جز تو نیست.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ

خداوندا، تویی که دعای درمانده را اجابت می کنی

وَتَكْشِفُ السَّوْءَ

و بدی را برطرف می سازی

وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ

و به فریادِ شخصِ گرفتار می رسی

وَتَشْفِي السَّقِيمَ

و بیمار را شفا می دهی

وَتُغْنِي الْفَقِيرَ

و فقیر را ثروتمند می سازی

وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ

و بر قلبِ شخصِ دل شکسته مرهم می گذاری

وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ

و به خردسال رحم می کنی

وَتُعِينُ الْكَبِيرَ

و سالخورده را یاری می دهی

وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ

و غیر از تو حامی و پشتیبانی وجود ندارد

وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ

و هیچ قدرتمندی بالاتراز تو نیست

وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ.

و تویی بلندمرتبه و بزرگ.

يَا مُطِيقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ

ای کسی که اسیر گرفتار در غل و زنجیر را، آزاد می کند

يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ

ای روزی دهنده کودک خردسال

يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ

ای نگاهدار شخص ترسان و پناه جو

يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَلَا وَزِيرَ

ای کسی که نه شریکی دارد و نه دستیاری

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرست

وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ:

و در این شامگاه به من عطا کن:

أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ

بالاترین چیزهایی را که به هر یک از بندگانت عطا کرده ای

مِنْ نِعْمَةٍ تَوَلَّيْتُهَا

از آن نعمت هایی که می بخشی

وَأَلَاءٍ تُجَدِّدُهَا

و روزی هایی که همواره آنها را تکرار می کنی

وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا

و بلایی که دور می گردانی

وَكَرْبَةٍ تَكْشِفُهَا

و گرفتاری و اندوهی که برطرف می‌سازی

وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا

و دعایی که اجابت می‌کنی

وَ حَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا

و نیکی و خیری که می‌پذیری

وَ سَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُهَا.

و کاریا ائفاقِ بدی که می‌پوشانی.

إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَيْرٌ

زیرا تو از آنچه بخواهی، دقیقاً آگاهی

وَعَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و بر هر چیزی توانایی.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ

خدایا، تو نزدیک‌ترین کسی هستی که می‌توان از او درخواست کرد

وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ

و از هرکسی زودتر دعای بندگان را اجابت می‌کنی

وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى

و از هر بخشنده‌ای بزرگوarterی

وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى

و عطایت از هر کسی بیشتر است

وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ

و در اجابتِ درخواست، از همه شنواتری

يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا

ای کسی که در دنیا و آخرت، بخشنده و مهربانی

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ

هیچ کسی مانند تو، مورد درخواست قرار نمی‌گیرد

وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ

و جز تو کسی نیست که بتوان به او امید بست

دَعَوْتُكَ فَأَجَبْتَنِي

تو را صدا زدم، جوابم دادی

وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي

و از تو درخواست کردم، عطایم فرمودی

وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي

و با اشتیاق به درگاهت آمدم، به من رحم کردی

وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِي

و به تو اعتماد کردم، نجاتم دادی

وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي.

و به درگاهت پناه آوردم، مرا از دیگران بی‌نیاز کردی.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

خداوندا، پس درود و رحمت فرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ

که بنده و فرستاده و پیامبرِ توست

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

و بر همهٔ خاندان پاک و معصوم او

وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتَكَ

و نعمت‌هایت را بر ما کامل ساز

وَهَيِّئْنَا عَطَاكَ

و عطایت را بر ما گوارا کن

وَ اَكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ

و ما را در شمار بندگانِ شکرگزارت قرار بده

وَلَا لِأَيْكَ ذَاكِرِينَ

که پیوسته نعمت‌هایت را یاد می‌کنند

آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

آری، دعایم را برآورده کن، ای پروردگار جهانیان.

اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ

خداوندا، ای آنکه مالک همه چیز است و بر هر چیزی تواناست

وَقَدَرَ فَقَهَرَ

و چون قدرت دارد، مسلط است

وَعُصِيَ فَسْتَرَّ

و بندگان در برابرش نافرمانی می‌کنند، ولی او می‌پوشاند

وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ

و از او درخواستِ آمرزش می‌شود و او می‌آمرزد

يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ

ای بزرگترین درخواست‌مشتاقان

وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ

و نهایتِ آرزوی امیدواران

يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

ای کسی که دانش او بر هر چیزی احاطه دارد

وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا.

و دلسوزی و مهر و بردباری اش، توبه‌کنندگان را فرا گرفته است.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ

خداوندا، ما در چنین عصرگاهی به درگاہت روی می آوریم

الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا

که آن را ارزش و بزرگی بخشیدی،

بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ

با توئسل به حضرت محمد، پیامبرت و فرستاده ات

وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و بنده برگزیده ات از میان آفریدگان

وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ

و امانتدارِ وحی تو

الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ الْمُنِيرِ

آن مژده رسان و هشداردهنده و آن چراغ فروزان

الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ

همان پیامبری که با فرستادنش بر مسلمانان لطف کردی

وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ.

و او را رحمتی برای جهانیان قرار دادی.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

پس خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرست

كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِّذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ

به همان اندازه که محمد در نزد تو شایستگی دارد، ای خدای بزرگ

فَصِّلْ عَلَيْهِ

پس بر او درود و رحمت فرست

وَعَلَى آلِهِ الْمُنتَجِبِينَ
الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ

و همچنین بر همه خاندان برگزیده و پاک و معصومش

وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَا

و با پرده عفو و گذشت خویش، ما را بپوشان

فَالَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ

که امروز صداها به هرزبانی به سوی تو بلند است

فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا

پس خدایا، در این عصرگاه برای ما بهره‌ای قرار ده

مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ وَبَيْنَ عِبَادِكَ

از هر خیری که میان بندگانت تقسیم می‌کنی

وَنورٍ تَهْدِي بِهِ

و هر نوری که مردم را با آن هدایت می‌نمایی

وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا

و هر رحمتی که منتشر می‌کنی

وَبَرَكَاتٍ تُنْزِلُهَا

و هر برکتی که نازل می‌کنی

وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا

و هر لباس عافیتی که بر تن بندگانت می‌پوشانی

وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ

و هر رزق و روزی که آن را گسترش می‌دهی

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربانترین مهربانان.

اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ

خداوندا، ما را از اینجا در حالی بازگردان

مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ

که پیروز و رستگار باشیم

مَبْرورِينَ غَانِمِينَ

و همچنین مورد قبول درگاه تو و بهره مند باشیم

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ

و ما را از ناامیدان قرار نده

وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ

و از رحمت خود بی بهره نساز

وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُؤَمِّلُهُ، مِنْ فَضْلِكَ

و ما را از امیدی که به لطف و احسان تو داریم محروم نکن

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ

و ما را از کسانی که از رحمت بی بهره اند، قرار نده

وَلَا لِفَضْلِ مَا نُؤَمِّلُهُ، مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ

و از آن لطف و احسانی که آرزویش را داریم، ناامیدمان نکن

وَلَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ

و ما را از خانهات ناکام برمگردان

وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ

و از درگاهت دور نکن

يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ

ای بخشنده ترین بخشنندگان

وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ

و کریم ترین کریمان

إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مَوْقِنِينَ

ما با یقین به درگاه تو روی آوردیم

وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصِدِينَ

و با قصد و نیت، به زیارت خانه شکوهمندت آمدیم

فَاعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا

پس ما را برای انجام اعمال حج مان کمک کن

وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا

و حج ما را کامل گردان

وَأَعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا

و ما را ببخش و به سلامت بدار

فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا

که ما دست هایمان را به سوی تو دراز کرده ایم

فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ

و این دست ها، نشانگر خواری و اعتراف ماست.

اللَّهُمَّ فَاعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ

خداوندا، در این عصرگاه، آنچه از تو درخواست کردیم، به ما عطا کن

وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفِينَاكَ

و نیازهایی که انجام آنها را از تو خواستیم، برآورده ساز

فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ

زیرا جز تو هیچ کسی را نداریم که ما را بی نیاز کند

وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ

و غیر از تو صاحب اختیاری نداریم

نَافِذُ فِينَا حُكْمِكَ

فرمان تو، در ما نفوذ دارد

مُحِيطٌ بِمَا عِلْمُكَ

و دانش تو، بر ما احاطه دارد

عَدْلٌ فِينَا قِضَاؤُكَ

و حکم تو درباره ما، عدالت محض است

إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ

برای ما، خیر و نیکی مقدر فرما

وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ

و ما را از اهل خیر قرار ده.

اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ

خداوندا، با بخشندگی خود، برای ما مقرر کن:

عَظِيمَ الْأَجْرِ

پاداش بزرگ

وَكَرِيمَ الذُّخْرِ

و ذخیره ارزشمند

وَدَوَامَ الْيُسْرِ

و آسایش همیشگی

وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ

و همه گناهان ما را ببامرز

وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ

و ما را با کسانی که سزاوار هلاکت اند، نابود نکن

وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ

و مهربانی و رحمت خویش را از ما برنگردان

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ای مهربانترین مهربانان.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ

خدایا، در این هنگام ما را جزء کسانی قرار بده،

مِمَّن سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَ

که از تو درخواست می کنند و به آنها عطا می کنی

وَشَكَرَكَ فَزَدْتَهُ وَ

و شکر تو را به جا می آورند و تو نعمت خود را برایشان می افزایی

وَتَابَ إِلَيْكَ فَقَبَلْتَهُ وَ

و به سویت باز می گردند و تو می پذیری

وَتَنْصَلَّ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

و از همه گناهان خود به سوی تو فرار می کنند

فَغَفَرْتَهَا لَهُ

و تو خطاهایشان را می آمرزی

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

ای صاحب شکوه و بزرگواری.

اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا

خداوندا، ما را پاک گردان و در طاعت خویش، استوار کن

وَأَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا

و التماس و زاری ما را بپذیر

يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ

ای بهترین کسی که می توان از او درخواست کرد

وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ

و ای مهربان ترین کسی که از او مهربانی انتظار می رود

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ

ای کسی که نه پلک زدن چشم‌ها از او مخفی می‌ماند

وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ

و نه نگاه‌های زیرچشمی

وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ

و نه آنچه در ذهن و نیت افراد، پوشیده است

وَلَا مَا انْطَوَّتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ

و نه خیال‌ها و اندیشه‌های مخفی دل‌ها

أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ

آری، دانش تو، تمام اینها را احاطه کرده است

و وَسِعَهُ وَ حِلْمُكَ.

ولی بردباری تو نیز، همه چیز را دربرگرفته است
(و تو مردم را با شتاب مؤاخذه نمی‌کنی).

سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ
عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا

تو پاک و منزّهی و بسیار والاتری
از آنچه ستمکاران می گویند

تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ
وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ

آسمان های هفت گانه و زمین ها و هر که در آنهاست، به تسبیح تو مشغول اند

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ

و هیچ چیزی وجود ندارد،
مگر اینکه به ستایش و تسبیح تو مشغول است

فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ
وَعُلُوُّ الْجَدِّ

بنابراین ستایش و بزرگی و مرتبه والا، مخصوص توست

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ای صاحبِ شکوه و بزرگواری

وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ

وای دارندهٔ لطف و احسان و ای نعمت بخش

وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ

وای صاحبِ بخشش های بزرگ

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ

تو بخشنده و کریمی

الرَّئُوفُ الرَّحِيمُ.

و دلسوز و مهربانی.

اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ

خداوندا، روزیِ حلال را برای من گسترده کن

وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي

و بدنم و دینم را سلامت بدار

وَأَمِنَ خَوْفِي

و ترسم را به ایمنی تبدیل کن

وَأَعْتَقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

و از آتش دوزخ آزادم کن.

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي

خدایا، مبادا با تدبیرِ ناگهانیِ خود غافلگیرم کنی

وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي

و به تدریج مرا به عذاب نزدیک کنی

وَلَا تَخْذَعْنِي

و اجازه دهی در اثر فراوانی نعمت‌ها، فریب بخورم

وَأَدْرَأَ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ

و شرّ جّیان و انسان‌های بدکار و فاسق را از من دور کن

در این قسمت از دعا،
امام حسین (ع) رو به آسمان کرد
و از دیده های مبارکش مانند باران،
اشک می ریخت
و با صدای بلند به محضر حق عرضه داشت:

يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ

ای شنواترین شنوندگان

يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ

ای بیناترین بینندگان

وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ

وای سریع ترین حسابرسان

وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وای مهربان ترین مهربانان

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بر محمد و خاندان محمد درود و رحمت فرست

السَّادَةِ الْمَيَامِينِ

همان سرورانی که سرچشمه خیر و برکت اند

وَ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي

و خدایا، من آن حاجتم را از تو می خواهم،

الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا

که اگر به من عطا کنی،

لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي

دیگر هرچه را از من بازداری، زبانی به من نمی رساند

وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا

و اگر آن را از من بازداری،

لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي

دیگر هرچه را به من عطا کنی، فایده ای برایم ندارد

أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

از تو درخواست می‌کنم که مرا از آتش دوزخ آزاد کنی

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ

خدایی وجود ندارد، غیر از تو که یگانه‌ای

لَا شَرِيكَ لَكَ

هیچ شریکی نداری

لَكَ الْمُلْكُ

فرمانروایی برای توست

وَلَكَ الْحَمْدُ

و ستایش، سزاوار تو می‌باشد

وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و تو بر هر چیزی توانایی

يَا رَبِّ يَا رَبِّ.

ای پروردگار و ای صاحب اختیار من.

پیوسته «یارب» می گفت،
و همه آنان که اطراف حضرت بودند
به دعای ایشان گوش فرادادند
و به آیین گفتن اکتفا نمودند،
و اشک بایشان با آن حضرت جاری شد،
تا آفتاب غروب کرد.
سپس زاد و توشه خود را برداشتند
و به سوی مشعر الحرام حرکت کردند.
مؤلف «مفاتیح الجنان» گوید:
«کفعمی» دعای عرفه امام حسین علیه السلام را
در کتاب «بلد الامین» تا اینجا آورده
ولی «سید ابن طاووس» در کتاب «اقبال»،
پس از «یارب، یارب، یارب»، این بخش را هم آورده است:

إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ

خدایا، من حتی در حال داشتن ثروت، نیازمندم

فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؟

پس چگونه در حال فقرم، نیازمند نباشم؟

إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي

خدایا، من حتی در زمان دانایی ام، نادانم

فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي؟

پس چگونه در زمان نادانی ام نادان نباشم؟

إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ

خدایا، اینکه تدبیر تو، پی در پی می آید

وَسُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ

و تقدیرات تو که سریعاً به دنبال هم می آیند

مَنْعَا عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ

مانع از آن شده که بندگانِ عارف تو

عَنْ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ

دلشان به نعمتی از سوی تو، آرام و خوش باشد

وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ.

یا در هنگام بلا، از تو ناامید شوند.

إِلٰهِ مِنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي

خدایا، از من همان رفتاری سرمی زند که سزاوار جایگاه پست من است

وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ

و از تو همان چیزی انتظار می رود که شایسته بخشندگی و بزرگواری توست

إِلٰهِ وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي

خدایا، تو خودت را با صفتِ لطف و مهربانی، به من معرفی کردی

قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي

و این در حالی بود که هنوز ناتوان نبودم

أَفْتَمْنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي

آیا پس از اینکه ناتوان شدم،
(و بیشتر به لطف و مهر تو نیاز پیدا کردم)
مرا از آنها بی بهره می کنی؟

إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتِ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ

خدایا، اگر کارهای نیک از من سر بزند،
به خاطر فضل و احسان توست

وَلَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ

و در نتیجه، تو نسبت به من لطف و منت خواهی داشت

وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ

و اگر کارهای بد از من سرزند،
(تو مقصّر نیستی و) عدل تو زیر سؤال نمی رود

وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ.

و البته تو علیه من دلیل داری
(و من هیچ عذر و بهانه ای ندارم).

إِلٰهِ كَيْفَ تَكُنِّي وَقَدْ تَكَلَّمْتَ لِي؟

خدای من، چگونه ممکن است رهایم کنی، با اینکه سرپرستی مرا پذیرفته‌ای؟

وَكَيفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي؟

و چگونه به من ستم شود، در حالی که تو یاور منی؟

أَمْ كَيْفَ أَخِيْبُ وَأَنْتَ الْحَفِيْبُ لِي؟

یا چگونه ناامید شوم، با اینکه تو نسبت به من مهربانی؟

هَآ أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ

اکنون من (هیچ سرمایه‌ای جز فقر ندارم و) فقرم را وسیله درخواست از تو قرار می‌دهم

وَكَيفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ
بِمَا هُوَ مَحَالٌّ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ؟

ولی چگونه برای درخواستم، از چیزی (همچون فقر) استفاده کنم که خودش تهی است و محال است به درگاه تو برسد؟

أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي

یا چگونه از حال خویش به تو شکایت کنم

وَهُوَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ؟

با این که حال من برای تو پنهان نیست؟

أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي

یا چگونه حالم را به زبان، بیان کنم،

وَهُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ؟

با اینکه همین سخنان و دعاها، با الهام خودت به تو گفته می شود؟

أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ أَمَالِي

یا چگونه امیدم را ناامید کنی

وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ؟

با اینکه مهمان درگاه توست؟

أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أَحْوَالِي

یا چگونه احوال مرا نیکونسازی،

وَبِكَ قَامَتْ؟

با اینکه احوالم همیشه به تو اتکا دارد؟

إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي

خدایا، تو چقدر به من لطف داری!

مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي

با وجود نادانی زیادم؛

وَمَا أَرْحَمَكَ بِي

و چقدر به من مهربانی!

مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي

با این کردار زشتم؛

إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي

خدای من، چقدر تو نسبت به من نزدیکی!

وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ

و چقدر من از تو دورم!

وَمَا أَرَأَفَكَ بِي

و چقدر تو نسبت به من دلسوزی!

فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ؟

پس آن چیست که میان من و تو مانع می شود؟

إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ

خدایا، من از تنوع پدیده‌ها متوجه شده‌ام

وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ

و همین‌طور از تغییرات جهان فهمیده‌ام،

أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي

که خواسته‌ت تواز من،

أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ

این است که در هر چیزی دست قدرت تو را ببینم

حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ

تا اینکه در هیچ چیزی از تو غافل نباشم (و تو را در همه جا ببینم و بشناسم).

إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي

خدایا، هرگاه کوچکی وضعف من، زبانم را از سخن گفتن با تو بند می‌آورد،

أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ

بزرگواری تو آن را گویا می‌سازد

وَ كَلَّمَا آيَسْتَنِي أَوْصَافِي

و هرگاه که ویژگی‌هایم، مرا ناامید و مأیوس می‌کند،

أَطْمَعْتَنِي مِنْكَ.

نعمت‌های تو مرا به طمع می‌اندازد.

إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي

خدایا، کسی که کارهای خوبش، بد باشد،

فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي؟

چگونه کارهای بدش، بد نباشد؟

وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي

و کسی که واقعیت‌های او، صرفاً در حدِّ ادعا باشد،

فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِي؟

چگونه ادعاهایش، در حدِّ ادعا نباشد؟

إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ

خدایا، فرمانِ نافذِ تو

وَمَشِيَّتِكَ الْقَاهِرَةَ

و مشیّت و خواستِ غالبِ تو،

لَمْ يَتْرُكْ لِي مَقَالَ مَقَالًا

باعث شده که هر سخنوری (با هر قدرتِ استدلالی)،
توان استدلال خود را از دست بدهد و در برابر تو سکوت پیشه کند،

وَلَا لِي حَالٍ حَالًا.

و همچنین برای هیچ کسی با هیچ شرایطی، حال ثابتی باقی نماند.

إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا

خدایا، چه بسیار (عباداتی که پیوسته انجام دادم و) بنای طاعتی که ساختم،

وَحَالَةٍ شَيَّدْتُهَا

و چه بسیار حالِ عبادتی که آن را محکم و استوار می دانستم،

هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ

ولی عدل تو اجازه نداد که بر آن تکیه داشته باشم
(زیرا بر اساس عدالت، طاعت و عبادت من چیزی محسوب نمی شود)

بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ.

(آری، اعمال من باعث نجاتم نشد)
بلکه لطف و احسان تو از من دستگیری کرد.

إِلٰهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ

خدایا، تو می دانی

أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدْمِ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا

که هرچند طاعت و عبادت من، یک عملِ قطعی و پایدار نیست

فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا.

ولی علاقه و اراده من برای فرمانبرداری ادامه دارد.

إِلَهِي كَيْفَ أَعِزُّمُ

خدایا، از یک سو چگونه تصمیم بگیرم،

وَأَنْتَ الْقَاهِرُ؟

در حالی که تو بر من مسلطی
(و تسلط تو می‌تواند اراده مرا بی‌اثر کند)؟

وَكَيْفَ لَا أَعِزُّمُ

و از سوی دیگر، چگونه تصمیم نگیرم،

وَأَنْتَ الْأَمِيرُ؟

در حالی که تو به من دستور داده‌ای
(که اراده و تصمیم داشته باشم)؟

إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ

خدایا، سیر و تفکر من در پدیده‌ها،

يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ

مقصدم را که زیارت جمال توست، دور می‌نماید

فَاَجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ.

پس تلاش‌هایم را به گونه‌ای متمرکز کن که به تو برسم.

كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ

چگونه ممکن است برای اثبات تو استدلال شود،

بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ؟

به وسیله چیزی که وجود خودش به تو نیازمند است؟

أَيَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ

آیا اساساً چیزی نمایان تر از تو وجود دارد

حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ؟

تا آن چیز، بخواهد تو را آشکار سازد؟!

مَتَى غِيبَتٌ

اصلاً چه زمانی، تو غایب بوده‌ای

حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ؟

تا به یک راهنما نیاز باشد که ما را برای رسیدن به تو هدایت کند؟

وَمَتَى بَعُدْتَ

و چه وقت، دور بوده‌ای

حَتَّى تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوَصِّلُ إِلَيْكَ؟

که پدیده‌ها بخواهند ما را به تو برسانند؟

عَمِيَّتْ عَيْنٌ لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا

کور است چشمی که تو را نظاره‌گر خود نمی‌بیند

وَ خَسِرْتَ صَفْقَةً عَبْدٍ

و خسارت می‌بیند تجارت بنده‌ای

لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا.

که سهمی از دوستی‌ات برایش قرار نداده‌ای.

إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ

خدایا، فرمان داده بودی در پدیده‌ها دقت کنم (و با آنها به تو برسم)

فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ

پس مرا در پوششی از نور به سوی خودت بازگردان

وَ هِدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ

و همچنین با هدایتی آگاهانه

حَتَّىٰ أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا

تا این بار (بدون واسطهٔ آنها) به سوی تو بازگردم

كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا

همچنان که اولین بار از طریق آنها به تو رسیده‌ام

مَصُونِ السِّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا

و کاری کن که دیگر (برای رسیدن به تو) نیازی به دیدن و بررسیِ آثارِ نداشته باشم

وَمَرْفُوعِ الْهِمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا

و همتم بلندتر از تکیه بر آنها باشد

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آری، تو بر هر چیز توانایی.

إِلٰهِ هٰذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ

خدایا، این خواری من است، که در پیشگاه تو آشکار است

وَهٰذَا حَالِي لَا يَخْفَىٰ عَلَيْكَ

و این حال من است، که بر تو پوشیده نیست

مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ

از تو می‌خواهم که مرا به خودت وصل کنی

وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ

و به وسیله خودت برای اثبات وجودت استدلال می‌کنم

فَاهِدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ

پس با نور خویش، مرا به سوی خودت راهنمایی کن

وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ.

و کاری کن که بندگی راستین من در محضر تو، پابرجا شود.

إِلَهِي عَلِّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ

خدایا، از گنجینه مخصوص علم خود، به من بیاموز

وَصْنِي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ.

و با پرده خطاپوشی خود، به من پاکی و عصمت ببخش.

إِلَهِي حَقِّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ

خدایا، مرا از حقایقی که نزدیکان درگاہت دارا هستند، عطا کن

وَاسْأَلْكَ بِي مَسَلِّكَ أَهْلَ الْجَذْبِ.

و در شمار آنها قرارم ده که جذبِ جمال تو شده‌اند.

إِلَهِي أَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي

خدایا، با تدبیرِ کامل خویش، مرا از تدبیرِ ضعیفم بی‌نیاز کن

وَ بِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي

و با اختیارِ خودت، زمام اختیارِ مرا در دست بگیر

وَ أَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي

و مرا از نقاطِ ضعف و درماندگی‌ام آگاه کن

إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي

خدایا، مرا از خواریِ نفسم (در برابر گناه و شیطان) نجات بخش

وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شَرِّكَ

و از شکِّ و شرکِ پاکم کن

قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي.

پیش از آنکه وارد قبر شوم.

بِكَ أَنْتَصِرُ فَاَنْصُرْنِي

خدایا، از تو یاری می‌جویم، پس یاری ام کن

وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي

و بر تو توکل می‌کنم، پس رهایم نکن

وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي

و از تو درخواست می‌کنم، پس ناامیدم نکن

وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي

و به لطف و احسان تو اشتیاق دارم، پس محرومم نکن

وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي

و به درگاه تو وابسته و منسوب هستم، پس مرا دور نکن

وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلَا تَطْرُدْنِي.

و در پیشگاه تو ایستاده‌ام، پس مرا از خود طرد نکن.

إِلَهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ عِلَّةٌ مِنْكَ

خدایا، رضایت تو بالاتر از آن است که حتی علتی از سوی خودت داشته باشد

فَكَيْفَ يَكُونُ لَكَ عِلَّةٌ مِنِّي؟

چه رسد به اینکه علتی از سوی من داشته باشد؟

إِلَهِي أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ

خدایا، تو ذاتاً بی نیازی

أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ

و حتی احتیاجی نداری که سودی از طرف خودت به تو برسد

فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي؟

پس چگونه از من بی نیاز نباشی؟

إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمْنِنِي

خدایا، به راستی «قضا» و «قدر»، مرا به آرزو می اندازد

وَإِنَّ الْهَوَى بَوَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي

و هوای نفس نیز مرا با بندهای شهوت اسیر کرده است

(و در نتیجه همتم را ضعیف ساخته)

فَكُنَّ أَنْتَ النَّصِيرِي

پس تو یاور من باش،

حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي

تا پیروزم کنی و بینشم را کامل و دقیق گردانی

وَاعْنِي بِفَضْلِكَ

و با لطف و احسان خود بی‌نیازم کن،

حَتَّى أَسْتَغْنِي بِكَ عَن طَلْبِي.

تا به وسیله تو، در مورد خواسته‌ام بی‌نیاز شوم.

أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ

خدایا، تو هستی که قلب اولیاءت را
به نور معرفت خویش نورانی ساختی

حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ

تا اینکه تو را شناختند و یگانه دانستند

وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ

و تویی که بیگانگان را از دل دوستانت کنارزدی

حَتَّى لَمْ يُحِبَّوْا سِوَاكَ

تا آنکه جز تو کسی را دوست نداشته باشند

وَلَمْ يَدَجَّوْا إِلَىٰ غَيْرِكَ.

و به غیر تو پناهنده نشوند.

أَنْتَ الْمُوْنِسُ لَهُمْ

تو همدم آنها بوده‌ای،

حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمُ

هر جا که عوالم هستی ایشان را به وحشت انداخته

وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ

و تویی که ایشان را راهنمایی کرده‌ای،

حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ.

در آن هنگام که نشانه‌ها برای آنها آشکار شده است.

مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ؟

کسی که تو را ندارد، چه دارد؟

وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ؟

وآنکه تو را دارد، چه ندارد؟

لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا

محروم واقعی، کسی است
که به جای تو، به دیگری راضی شود

وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَىٰ عَنْكَ مُتَحَوِّلًا

و زیانکار حقیقی، کسی است
که از درگاه تو، به دیگری رو کند.

كَيْفَ يُرْجَىٰ سِوَاكَ

چگونه می شود به دیگری امیدوار بود،

وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ؟

در حالی که تو نیکی خود را قطع نکرده ای؟

وَ كَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ

و چگونه می شود از غیر تو، چیزی درخواست کرد،

وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ؟

در حالی که تو شیوه سخاوتمندی خود را تغییر نداده ای؟

يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ

ای کسی که به دوستانش شیرینی انس با خود را چشانده است

فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ

و در نتیجه آنها در برابر خدا به تعریف و تمجید برخاسته اند

وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَائِسَ هَيْبَتِهِ

ای کسی که دوستانش را با عظمت خود پوشانده است

فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ

و در نتیجه آنها در برابر خدا، به درخواست آمرزش برخاسته اند

أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ

تویی که بندگان را یاد می کنی، پیش از آن که آنها تو را یاد کنند

وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ

و تویی که احسان را آغاز می کنی،

قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ

پیش از آنکه عبادت کنندگان به سوی تو آورند

وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ

و تویی که بخشش و عطا می کنی،

قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ

پیش از آنکه درخواست کنندگان درخواست کنند

وَأَنْتَ الْوَهَّابُ

و تویی که بخشش فراوان داری

ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ.

و سپس از ما می خواهی گوشه ای از همان چیزی را که به ما بخشیده ای،
به بندگان نیازمندت قرض دهیم.

إِلٰهِي

خدایا،

أُطَلِّبُنِي بِرَحْمَتِكَ

با رحمت خویش، مرا به سوی خود طلب کن،

حَتَّىٰ أَصِلَ إِلَيْكَ

تا به تو برسم

وَاجْذِبْنِي بِمَنِّكَ

و با لطف، مرا در معرض جاذبهات قرار ده

حَتَّىٰ أَقْبَلَ عَلَيْكَ.

تا به تو رو کنم.

إِلٰهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ

خدایا، امیدم هیچ‌گاه از تو قطع نمی‌شود،

وَإِنْ عَصَيْتُكَ

هرچند نافرمانی‌ات کنم

كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي

همچنان که ترسم از من جدا نمی شود،

وَإِنْ أَطَعْتُكَ

اگرچه از تو اطاعت کنم

فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ

زیرا عوالم هستی، (نشانه‌هایی هستند که) مرا به سوی تو سوق داده‌اند

وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ.

و آن آگاهی و دانشی که به لطف و کرم تو دارم، مرا به درگاه تو آورده است.

إِلٰهِ كَيْفَ أَخِيْبُ

خدای من، چگونه ناامید شوم،

وَأَنْتَ أَمَلِي؟

در حالی که تو امید منی؟

أَمْ كَيْفَ أَهَانُ

یا چگونه خوار شوم،

وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي؟

در حالی که به تو اعتماد دارم؟

إِلٰهِ كَيْفَ أَسْتَعِزُّ

خدایا، چگونه احساس عزّت کنم،

وَفِي الذِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي؟

با اینکه در دنیای پست و مادّی جایم داده‌ای؟

أَمْ كَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ

و چگونه احساس عزّت نکنم،

وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي؟

در حالی که تو مرا به خودت نسبت داده‌ای؟

إِلٰهِ كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ

خدایا، چگونه اظهار فقر و نیاز نکنم،

وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي؟

در حالی که در میان نیازمندان جایم داده‌ای؟

أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ

و چگونه اظهار فقر و نیاز کنم،

وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي؟

در حالی که تو با بخشش خود بی نیازم کرده‌ای؟

وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلٰهَ غَيْرُكَ

و تویی آن خدایی که هیچ معبودی جز او نیست

تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ

خودت را به هر چیزی شناسانده‌ای

فَمَا جَهْلَكَ شَيْءٌ

و در نتیجه چیزی نیست که تو را نشناسد

وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ

و تویی که خودت را در هر چیزی به من شناساندی

فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ

و در نتیجه من تو را در هر چیزی آشکار و نمایان دیدم

وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ.

و تویی که برای هر چیزی آشکار هستی.

يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ

ای کسی که با رحمت غالب خویش، بر همه چیز تسلط داری

فَصَارَ العَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ

و عرش بزرگ (که بر همه هستی احاطه دارد)، با همه عظمتش،
در نور ذات مخفی شده است

مَحَقَّتِ الأَثَارَ بِالأَثَارِ

برخی پدیده‌ها را به وسیله برخی دیگر، پنهان می‌کنی

وَمَحَوْتَ الأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الأَنْوَارِ

و موجودات غیر خود را، با احاطه نورت، محو می‌سازی

يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ

ای کسی که در سراپرده‌های عرش خود، پوشیده شده است

عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ

و در نتیجه چشم‌ها نمی‌توانند ذاتِ او را درک کنند

يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ

ای کسی که با کمالِ زیبایی و نور، تجلّی کرد

فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ

و شکوه و بزرگی او، همهٔ مراتبِ وجود را فرا گرفت
(به طوری که تمام هستی در برابر عظمت او خوار و حقیر است)

كَيْفَ تَخْفَى

چگونه پنهان شوی،

وَأَنْتَ الظَّاهِرُ؟

در حالی که تو پیدایی؟

أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ

یا چگونه غایب شوی،

وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ؟

در حالی که تو نگهبان و حاضری؟

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

به راستی که تو بر هر چیزی توانایی

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

و ستایش مخصوص خداوند یگانه است.

التماس دعا

دعای آسان



به آسانی دعا بخوانیم و بفهمیم

ویژگی‌های مهم دعای آسان

نگارش ساده جملات دعا
تقسیم بندی به عبارات کوتاه
ترجمه ساده و توضیحی

